

هو الله

جناب حاجی میرزا حسن علیه بهاء الله

هو الله

ای ثابت بر پیمان و مرد میدان مکاتیب متعدده آن جناب واصل و بر کیفیت اطلاع حاصل گشت حمد کن خدا را که مؤید و موفق بنشر میثاق شدی و بعد از صعود نیر آفاق وفا باستان مقدس نمودی از راحت و آسایش گذشتی و از آرایش این جهان فانی دیده بستی و تحمل هر مشقتی در سبیل الهی نمودی الحق در خدمت قصور نمودی و در عبودیت درگاه احدیت فتور نکردی جانفشانی نمودی و متاعب و مشقات را در سبیل الهی کامرانی دانستی این موهبت رب احدیتست قدر آن را بدان و بشکرانه زیان بگشا

ای پروردگار ستایش ترا که این بنده ضعیف را مورد چنین فضل عظیم نمودی و این ذره فانیه را بخدمت عتبه مقدسه موفق فرمودی ای پروردگار قوت و توانائی بخش و قدرت و دانائی عطا فرما تا چنانکه باید و شاید هیکل وجود را بخلعت خدمتت بیارایم

ای آواره آن یار مهربان قلب را متوجه ملکوت ابهی کن و گوش را بجهان الهی و عوالم غیب ربانی متوجه نما ملاحظه کن که بشارت و اشارات و آهنگ جهان پنهان بگوش جان میرسد این آواز در نهایت روحانیت و انشراح بجان و وجدان میرسد در حالت توجه بملکوت ابهی و فراغت قلب واضح و مشهود شود الآن آن نغمه در نهایت لطافت بسمع عبدالهه متواصل نمیدانم چگونه وصف نمایم که در چه حالتی و چه هیجانی هستم بقسمی که تکلم نتوانم ولی از شدت حب بان جناب من دون اختیار بانشاء این نامه پرداختم باری مدد از آن مبدأ مقدس بطلبید و شب و روز توجه و تبتل و تضرع فرمائید تا اشراق انوار از تجلی آن حالت بر آفاق تابد ای ثابت بر پیمان مطمئن باش بعون و صون جمال قدم اگر جمیع من علی الأرض جمع گردند و احزاب از جمیع جهات هجوم آورند عاقبت مذموم و مدحور و مأیوس و مقهور در چاه ذل و خذلان افتند تا چه رسد باین هزله رذله خذله چه که جز همز و غمز ندانند و غیر از طعن و لعن هنری ندارند

در خصوص عقائد اولیه آن شخص نسبت باین عبد بخط خودش و گفتگویش در مجلس که اگر تکذیب کنم مرا کذاب بخوانید و سواد مکتوبش که تبری از ناقضین جسته این را در مجلس عموم تفصیلاً بیان نموده ترجمه گشته طبع و انتشار دادن بسیار موافق و مطابق و همچنین اعلان بجهت درس تبلیغ عین صواب

در خصوص ترجمان مرقوم شده میرزا رفیع را اگر ممکن بخواهید و جناب آقا میرزا ابوالفضل با خواجه انطون عازم پاریس شدند که چندی در آنجا مشغول گشته عازم آن صفحات خواهند شد انطون نیز معاونت خواهد کرد و از این گذشته ترجمانی دیگر انشاءالله تا یک ماه بعد ارسال میشود که درست بکار بخورد و با او نوشته جاتی نیز از آثار مبارک ارسال خواهد گشت از این عبارت آن جناب که مرقوم نموده اید فانی چشم از عالم پوشیده با کمال استقامت مقابل جمیع ملل ببرکت نفس رحمانی بدون ادنی اعتنائی بتمام عزت راه میروم از این عبارت نهایت روح و ریحان حاصل شد که الحمد لله جمال مبارک بندگانی دارند که در مقابل من علی الأرض قیام مینمایند و رساله ایقان ترجمه شده نزدیک باتمامست انشاءالله ارسال میشود تا طبع و نشر گردد

از جمله اخبارات بظهور مبارک در کتاب دانیال در اصحاب ثانی عشر در آیه یازدهم و من وقت ازالة المحرقة الدائمة و اقامة رجس المخرب الف و مثنان و تسعون يوماً طوبی لمن ينتظر و يبلغ الى الألف و الثلاث مئة و الخمسة و الثلاثين يوماً اما

انت فاذهب الى النّهاية فستريح و تقوم لقرعتك في نهاية الأيّام محرقه محلّ آتشی بود در قدس بموجب شریعت توریة قربان را بر او میسوزانیدند میفرماید از ازاله آن محرقه یعنی نسخ شریعت تا هزار و دویست و نود روز وعده داده و این بحساب بعثت حضرت رسول است که ده سال با هجری تفاوت دارد و این حساب در سنه هزار و دویست و هشتاد واقع میشود که سنه ثمانین است و ورود جمال قدم بارض سرّ و اعلان امر مبارک واضحاً مشهوداً

و در اخبار از حضرت رسول در کتاب مکاشفات یوحنا در باب دوازدهم در آیه اوّل میفرماید و ظهرت آیه عظيمة فی السّماء امرأة متسريلة بالشّمس و القمر تحت رجلیها و علی رأسها اکیل من اثنی عشر کوکباً این امرأة در اصطلاح یوحنا بمعنی شریعت الله است و در بعضی مواقع شریعت الله را بمدينه مقدّسه اورشليم تعبیر مینماید میفرماید متسريلة بالشّمس آفتاب علامت دولت ایرانست و قمر علامت دولت عثمانیان یعنی آن شریعت الّهی که دو دولت شمس و قمر در ظلّ او هستند بعد میفرماید و علی رأسها اکیل من اثنی عشر کوکباً تاجی از دوازده ستاره که ائمه اطهارند و در آیه ششم میفرماید و المرأة هربت الى البريّة یعنی شریعت الله بیادیّه عرب رفت حیث لها موضع معدّ من الله محلّی خدا از برای او مهیا کرده است در آنجا لکی یعولها تا آنکه خدا از او نگهداری کند و در آنجا باقی الف و مائتین و ستّین یوماً در هزار و دویست و شصت روز و هر روز عبارت از یک سنه است و از عبارت رأیت سماءً جدیدة و ارضاً جدیدة لأنّ السّماء الأولى و الأرض الأولى مضتا و البحر لا يوجد فیما بعد و انا یوحنا رأیت المدينه المقدّسه اورشليم الجديده نازلة من السّماء من عند الله مهیّاة کعروس مزینة لرجلها که مقصود از اورشليم الجديده و الامراة المتسريلة شریعت الله جدیده است واضح گردد و اخبار ظهور جمال مبارک در آخر اصحاب مذکور یعنی بیست و یکم از مکاشفات یوحنا ملاحظه نما ثمّ رأیت سماءً جدیدة و ارضاً جدیدة لأنّ السّماء الأولى و الأرض الأولى مضتا و البحر لا يوجد فیما بعد و انا یوحنا رأیت المدينه المقدّسه اورشليم الجديده نازلة من السّماء من عند الله مهیّاة کعروس و سمعت صوتاً عظيماً من السّماء قائلاً هو ذا مسکن الله مع النّاس و هو سیسکن معهم و هم یكونون له شعباً و الله نفسه یكون معهم الها لهم

و در اخبار از حضرت رسول در اصحاب تاسع عشر ۱۹ از مکاشفات یوحنا میفرماید ثمّ رأیت السّماء مفتوحة و اذا فرس ابيض و الجالس علیه يدعی امیناً و صادقاً (الصّادق الأمین اسم و لقب آن حضرت است) و بالعدل یحکم و یحارب و هو متسريل بثوب مغموس بالدم و يدعی اسمه کلمة الله و الأجناد الذّین فی السّماء کانوا یّتبعونه علی خیل بیض لابسين بزّاً ابيض نقیّاً فمن فمه یخرج سیف ماض لکی یضرب به الأمم و هو سیرعاهم بعضا من حديد و هو یدوس معصرة خمر سخط و غضب الله القادر علی کلّ شیء و له علی ثوبه و علی فخذہ اسم مکتوب ملک الملوک و ربّ الأرباب

در کتاب ایوب فصل نوزدهم آیه بیست و پنجم و بیست و ششم و هفتم که آن شخص استدلال بتناسخ کرده است چه قدر منافی حقیقت است و واضح است چرا میفرماید من میدانم که ولیّ من زنده است و در ایام آخر بر زمین خواهد برخاست این عبارت از بعث روحانیست زیرا میفرماید بعد از آن گاه این پوست من تلف شود بدون جسد نیز خدا را خواهیم دید میفرماید بدون جسد خواهیم دید این مشاهدۀ روحانیست و این بیان را جمال مبارک در رسالۀ ایقان فرموده‌اند که مراد عود و رجوع صفاتست و تشبیه میفرماید که این گلی که در این بهار شکفته چون نظر بلطافت و راحه و لون کنی بعینه گل پارسال را ماند چنانچه گفته میشود بهار آمد و باز گل آمد نه مقصود حقیقت مرکبۀ آنست

و اما قضیۀ شاخۀ نابت از یسه در فصل یازدهم آیه اوّل از کتاب اشعیا میفرماید از دوحه یسه بیرون آمده شاخه‌ئی از ریشه‌هایش خواهد شکفت حضرت مسیح از طرف مادر از دوحه یسه پسر یعقوب نبودند بلکه مریم از سلاله هارون بود و هارون از نسل لاوی و میفرماید روح خداوند بر آن غصن قرار خواهد گرفت یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوّت و روح معرفت و ترس خداوند تفسیر کرده و میفرماید او بدیده خود حکم و داوری خواهد نمود نه بمسموعات و بجهت مظلومان زمین

براستی حکم خواهد کرد و جهان را بعضای دهان خود زده اشرار را بنفخه لبهای خود خواهد کشت یعنی بیان حکم خواهد نمود امانت و عدالت از خصائص اوست و در ایام او وحوش و طیور و درنده جمیع با هم مأنوس خواهند شد یعنی اقوام مختلفه متنوعه متجاذله متعارضه متباغضه با هم معاشرت و سلوک خواهند نمود یسه بمعنی اجر و مزد است و دوحه ربانیه بجهت ربانیان اجر جزیلست و فضل عظیم و از آن جمله در آخر میفرماید که قوم اسرائیل را از آشور و مصر و فتروس و حبش و عیلام و شنعار و حماه و از جزیره‌های دریا در ارض مقدس جمع خواهد نمود یعنی آوارگان اسرائیل را جمع خواهد کرد و پراکندگان اولاد یعقوب را از چهار طرف جهان فراهم خواهد آورد و این وقوعات بعد از حضرت مسیح نشده است ولی در این ایام آوارگان اسرائیل در اجتماعند

و اما آیه چهاردهم از فصل ثالث یوئیل تا آیه هفدهم اخبار بظهور جمال مبارکست و تفسیر آفتاب و ماه تاریک میشوند و ستاره‌ها از نور بازیمانند و زمین متزلزل میشود معانی این آیات در کتاب ایقان موجود ملاحظه کنید میفرماید پس خواهید دانست که من یهوه خدای شما در کوه مقدس خویش صهیون ساکن میباشم

و اما بشارات ظهور نقطه اولی و بشارات اشراق شمس ابهی در کتب مقدسه جناب آقا میرزا ابوالفضل جمع کرده‌اند عبدالبهاء این قدر صدمات و بلا دارد که فرصت دقیقه‌ئی آرام ندارد تا بتالیف کتب و رسائل پردازد

ای ثابت بر پیمان نمیدانید که چه خبر است واللّه الذی لا اله الا هو که اگر جبال راسیات تحمل این مشقات را تواند و اما مسئله حضرت آدم و شجره مراد نچنانست که عوام میفهمند مقصد از شجره مقام ظهور بلوغ هیکل امر الهیست بأعلی المقامات و آن مشروط بیوم موعود و قبل از یوم موعود ظهور بلوغ و رشد ممکن نه حضرت آدم خواست که شریعت الله بنهایت درجه بلوغ رسد ممکن نشد زیرا بلوغ و رشد امر الله منوط و مشروط بیوم موعود مبارک بود مثلاً طفل در سن شیرخواری ممکن نه که کمالات انسانی بتمامها در او ظاهر شود و از اطعمه لذیذه تناول نماید بلکه باید بشیر اکتفا کند تا بسن رشد رسد و کمالات عالم انسانی در او ظاهر و لائح گردد والا نه اینست که حضرت آدم عصیان نمود و خطا کرد این عصیان عبارت از حسنات الأبرار سیئات المقرّین است نه خطا و عصیانی که عوام میفهمند و حضرت اعلی نیز یک معنی نزدیک باین معنی بیان فرموده‌اند و مراد از حوا حقیقت نفس آدم است این بیان مختصر است مفصل ابدأ فرصت ندارم و باقی جواب مسائل شما انشاءالله در پوسته آیه

الهی الهی اید عبدک هذا علی اعلاء کلمتک و ترویج دینک و نشر نفحاتک و قوّ ظهره و اشدّد عضده و اجعله سراجاً يتلأّ بنور الانقطاع و شجرة نامیه بفیض الألطاف و انصره علی الذین نقضوا العهد و الميثاق و اجعله منادياً باسمک فی کلّ الجهات انک انت الکریم الرحیم الرحمن

از جمله اخبارات از حضرت رسول در انجیل یوحنا در فصل اول در آیه بیست و پنجم فما بالک تعمّد ان کنت لست المسيح و لا ایلیا و لا التبیّ یعنی مقصود تو چیست اگر مسیح نیستی و ایلیا نیستی و آن نبیّ معهود نیستی الف و لام عهد است یعنی آن پیغمبر معهود از این واضح میشود که منتظر سه شخص بودند یکی مسیح و دیگری ایلیا و دیگری نبیّ معهودی و در فصل سابع از یوحنا آیه چهلم فکثیرون من الجمع لما سمعوا هذا الکلام قالوا هذا بالحقیقه هو التبیّ (۴۱) آخرون قالوا هذا هو المسيح میفرماید بعضی از حضرات یهود که وعظ آن حضرت را شنیدند بدو فرقه شدند فرقه‌ئی گفتند فی الحقیقه این شخص آن نبیّ معهود است فرقه دیگر گفتند مسیح موعود است و البهاء علیک ع ع

